

گذری بر مقالات انگلیسی کتاب «ایرانیان استانبول»

■ دکتر فیاض زاهد*

کتاب «ایرانیان استانبول» مجموعه ارزشمندی است که زیر نظر «تیسری زرکن و فریازرین باف شهر» به همت انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ۱۳۷۳ در شهر استانبول به چاپ رسیده است. ضمناً انتشار این کتاب ارزشمند در ایران توسط انتشارات «توس» انجام گرفته و مقالات این کتاب به دو زبان فرانسه و انگلیسی به چاپ رسیده است.

کتاب مذکور دارای یک پیش‌گفتار، مقدمه، پنج فصل و فهرست تصاویر، اعلام و فهرست مندرجات از جمله به زبان فارسی است، نویسندگانی چون جمشید بهنام، یوهان اشتراوس، حامد الگار، همانا طق، فاروق بیلیگی، حجت‌الله جودکی، فرانسوا ژورژن و تعداد دیگری از نویسندگان غربی و ترک در آن مقالاتی انشاء کرده‌اند که در فصول مختلف به زبان‌های فرانسه و انگلیسی نگارش شده‌اند. هرچند عمده مقالات ارائه شده به زبان فرانسه و تنها هفت مقاله که توسط حامد الگار، اریکا گلاسن، آنی‌پیستور حاتم، جان گرنی، آنیالوزینک، فریازرین باف شهر و تسوتوموسا کاموتو به نگارش درآمده به زبان انگلیسی است.

محتوای کلی فصول

در فصل اول کتاب مذکور با عنوان «نقاط مشترک و خصوصیات روشنفکران ایرانی و ترک»

* مدیر گروه تاریخ و باستان‌شناسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی

مقالاتی با عناوین زیر آمده است.

جمشید بهنام: نقش ایرانیان استانبول در روندنوسازی ایران، یوهان اشتراوس: حضور سیاسی ایرانیان در استانبول و دیگر نقاط امپراتوری عثمانی (۱۹۰۸-۱۸۴۸)، حامد الگار: شرکت نمایندگان سیاسی ایران در لژهای فراماسونری استانبول، همانا طق: میرزا آقاخان، سیدجمال‌الدین و ملکم‌خان در استانبول، فاروق بیلیگی: تصویر ایران در دوروزنامه عثمانی «بیان‌الحق» و «طنین» (۱۹۱۲-۱۹۰۸)، فرانسوا ژورژن: ایران از دیدگاه یک روشنفکر ترک در اوایل قرن بیستم، حجت‌الله جودکی: «انجمن سعادت» ایرانیان استانبول، بیناکاماریا اسکارسیا آمورتی: بانوان ایرانی قسطنطنیه.

فصل دوم با عنوان «تشیع در دنیای تسنن» نام دارد. مقالاتی که در این فصل آمده است، عبارتند از: تیئری زرکن: وضعیت مذهب شیعه در استانبول در اواخر قرن ۱۹ م. و اوایل قرن بیستم م. اریکا گلاسن: مراسم عزاداری ماه محرم در استانبول در اواخر قرن ۱۹ م. و اوایل بیستم میلادی.

فصل سوم با عنوان ادبیات فارسی در استانبول که شامل مقالاتی با عناوین و نویسندگان زیر است:

اورهان کولوگلو: «اختر» روزنامه فارسی زبان استانبول، آتیاپستورحاتم: روزنامه فارسی زبان «اختر» منعکس‌کننده افکار سیاسی، جان گرنی: ادوارد براون و جامعه ایرانی استانبول، کریستف بالاتی: ادبیات فارسی در میان ایرانیان دور از وطن، استانبول (بین سال‌های ۱۸۶۵ و ۱۸۹۵) چیانروبرتو اسکارسیا: ملاک انتخاب کتاب «حاجی بابا» برای ترجمه و آتیالوزینک: وضعیت ایرانیان قاهره در آغاز قرن بیستم.

فصل چهارم عنوان «مناسبات اقتصادی: از تجارت تاسیسات» نام دارد. مقالاتی از فریبا زرین‌باف شهر با عنوان: نقش جامعه تجار ایرانی امپراتوری عثمانی در انقلاب مشروطیت و تسوتوموسا کاموتو: استانبول و تجارت فرش ایران از سال ۱۸۷۰ در آن آمده است.

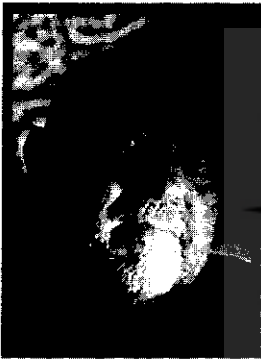
فصل پنجم که فصل پایانی کتاب است «چند مقاله متفرقه» نام دارد و هرچند از انسجام لازم برخوردار نیست، اما نویسندگانی چون و. آ. گوردلوسکی، تیئری زرکن، سفیان کونرالپ و ادهم‌الدم مقالات خود را با عناوین: ایام محرم در استانبول، علی‌اکبر دهخدا و روزنامه سروش در استانبول «ماجرای محله تحت‌کاله» روابط ایرانیان استانبول و مقامات عثمانی و یادداشتی بر چند سند مربوط به جامعه ایرانیان در دوران امپراتوری عثمانی - ضبط در آرشیو بانک شاهی عثمانی - شکل می‌دهد.

مقالات انگلیسی: همانگونه که پیشتر آمد هفت مقاله از مجموعه مقالات مندرج در کتاب

فوق‌الذکر به زبان انگلیسی است که مختصراً به محتوا و کلیاتی از مقالات نویسندگان مذکور در این مجال کوتاه اشارتی خواهد رفت.

۱- عضویت نمایندگان سیاسی ایران در تشکیلات فراماسونری استانبول حامد الگار

نخستین مقاله به پروفیسور حامد الگار با عنوان «شرکت نمایندگان سیاسی ایران در لژهای فراماسونری استانبول» که از صفحات ۳۳ الی ۴۴ را دربرمی‌گیرد. حامد الگار که حوزه تخصصی‌اش تحولات سیاسی ایران معاصر است، با تکیه بر مستندات کتابخانه‌ای و آرشیو جراید استانبول به بررسی چگونگی معاضدت دیپلمات‌های ایرانی با لژهای فراماسونری می‌پردازد. مقاله با این پاراگراف آغاز می‌شود: «در دسامبر ۱۹۹۰، جراید ایرانی گزارش کردند- بر مبنای گزارش یک آژانس خبری یوگسلاو به نام تانیوگ- که فراماسونرهای ایرانی در تلاش هستند تا



حامد الگار

ایدئولوژی خود را و وجه غالب ایرانیان تبعیدی قرار دهند. محتوای این گزارش چالش برانگیز بود، زیرا توانایی فراماسونری برای اتحاد ایرانیان مخالف در تبعید بسیار سوال برانگیز بود، آنچه روشن است تمام فعالیت‌های فراماسونری در ایران در سال‌های اخیر به بن بست خورده و تنها در آمریکا و اروپا شاخه‌هایی از آن فعال است. به عنوان یک فرهنگ مهاجرت کرده به خارج از کشور فراماسونری به ندرت می‌تواند در خارج از ایران دوام آورد.^(۱)

جابه‌جایی مکان فراماسونرهای ایرانی به خارج از کشور، بازگشت

فراماسونری ایران به ریشه‌های اصلی خویش است. از ابتدای قرن نوزدهم، وقتی که ایرانیان برای نخستین بار با مفهوم فراماسونری آشنا شدند، تا سال ۱۹۰۸ میلادی سالی که مشروطه ایران به بار نشسته بود و ایرانیان نخستین لژ فراماسونری به سبک اروپایی‌ها را پدید آوردند، اغلب فعالیت‌های ایرانیان فراماسونری به خارج از کشور اختصاص داشت. در سال ۱۸۵۸ فراموشخانه به دست میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله بر اساس این طرز تفکر پدید آمد؛ اگرچه موسس آن یک سال پیش از آن در پاریس به لژ «صداقت و دوستی» درآمده بود و اگرچه فراموشخانه ملکم خان یک تلاش شخصی از سوی او محسوب می‌شد و هیچ ارتباطی با «گرانده شرق فرانسه» نداشت.^(۲)

حامد الگار در ادامه به نقش دیپلمات‌های ایرانی در فرانسه و انگلستان می‌پردازد و اینکه آنها عضویت خود در این انجمن‌ها را در خدمت منافع و رشد کشور خویش ارزیابی می‌کردند، هرچند نباید از یاد برد که عضویت در فراماسونری در ایران نقش دوگانه داشت. چه آنکه موجب ارتقا در سطوح سیاسی نیز می‌شد. الگار توضیح می‌دهد که ریشه‌های پیدایش فراماسونری به قرن هجدهم

می‌رسد. اما فراماسونری در امپراتوری عثمانی عملاً در اواسط قرن نوزدهم شکل یافت. ارتباطات و نزدیکی‌های فراوان پایتخت عثمانی با دیگر پایتخت‌های اروپایی در رشد و نمود فراماسونری در استانبول تأثیر داشت، مهم‌ترین لژ فراماسونری «گراند شرق فرانسه» نام داشت که در سال ۱۸۵۸ میلادی در استانبول از تعداد متناسبی فرانسوی و البته تعدادی ترک تشکیل شد^(۳)، ظاهراً پس از آن دیگر لژهای فراماسونری هم تلاش کردند جای پای در استانبول بیابند. حامد در ادامه به زندگی میرزا حسین خان سپهسالار و اقامتش در استانبول به عنوان سفیر کبیر ایران اشاره دارد، اما به‌رغم ارتباطات میرزا حسین خان با میرزا ملکم خان، عضویت او را در فراموشخانه با تردید می‌نگرد. نویسنده حتی معتقد است که میرزا حسین خان در دوران مسوولیت دیپلماتیک‌اش در تفلیس و بمبئی هم به عضویت فراماسونری درآمده باشد.^(۴) در این کتاب به سیر مناسبات میرزا حسین خان سپهسالار با میرزا امین علی‌پاشا و مصطفی فاضل‌پاشا از بزرگان خلافت عثمانی نکاتی به تحریر آمده است. گزارشات میرزا حسین خان درباره اصلاحاتی که این دو وزیر عالی‌رتبه عثمانی برای بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی عثمانی انجام داده بودند، اهمیت فراوانی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر حامد الگار به مناسباتی که میان میرزا حسین خان و دیگر عوامل سفارت ایران در استانبول با حاجی میرزا صفا که متولد مازندران بوده و پس از طی مراحل نعمت‌اللهی به مذهب شیعه مشرف شده بود، اشاراتی داشته است. گویا نقش حاجی میرزا صفا در گسترش مذهب شیعه در سوریه و ترکیه موثر بوده است.^(۵)

حامد الگار در گرایش حاجی میرزا صفا به تشکیلات فراماسونری تردید روا می‌دارد. گویا سفرهای او به پاریس چنین ظنی را فراهم آورده بود، اما الگار بر این باور است که او باید به دلیل همکاری با سفارت ایران به چنین اموری دست زده باشد.

فرد دیپلمات دیگری که به حلقه‌های فراماسونری نزدیک بود میرزا ملکم خان بود، اما نمی‌توان شواهد روشنی از وابستگی او به لژ گراند شرق فرانسه در ۹ سالگی که وی در استانبول حضور داشت، یافت.

الگار درباره دیگر سفیر ایران در استانبول هم نکاتی آورده است و آن میرزا محسن خان معین‌الملک است. بر اساس اسناد موجود میرزا محسن خان معین‌الملک زمانی که در پاریس و لندن بود، با تشکیلات فراماسونری در رابطه بود. در استانبول برخی حلقه‌های ماسونی که تحت تأثیر فرهنگ ارمنی و یونانی بودند، فعالیت‌هایی راه انداخته بودند که میرزا محسن با برخی از آنها در تماس بود.^(۶) در کنار آنها باید به میرزا نجف هم که از دیپلمات‌های معاصر معین‌الملک است، اشاره نمود. او هم به عضویت و برادری در فراماسونری گراند شرق پاریس در استانبول درآمد.

آنها همچنان با حلقه‌ای از فراماسونری استانبول که عقبه یونانی داشت و به نام «Iprodoos» مرتبط

بودند. اما نکته مهم در این میان یادداشت‌هایی است که از ملوک‌خانی باقی مانده و روشن می‌سازد که میرزا حسین خان سپهسالار بالژ شوالیه صلیب گل سرخ مرتبط بوده و حتی رتبه بسیار مهمی در ایران داشته است.

مقاله الگار به نفوذ فراماسونری در دستگاه خلافت عثمانی هم می‌پردازد. آنجا که مراد پس از رسیدن به قدرت همچنان حلقه ارتباط خود را بالژ فراماسونری حفظ کرده است.

حامد الگار همچنان به نوشته‌های اسمعیل راثین استناد می‌کند و خان ملک ساسانی که آنها نیز به عضویت میرزا محسن خان در لژ فراماسونری صحنه گذاشته‌اند.^(۷)

آنچه در این مقاله مهم است نفوذ دستگاه فراماسونری فرانسه در دستگاه سیاسی و دیوانی عثمانی است. به تبع آن شاید سفرا و دیپلمات‌های ایرانی از جمله میرزا محسن خان ورود به تشکیلات ماسونی را راه حل مناسبی برای انجام برخی اصلاحات دیده‌اند، اما آنچه مشخص است الگار بر این باور است که «اینک، آنچه مبرهن است اینکه می‌توانیم اینگونه بپذیریم که تشکیل فراماسونری برای دیپلمات‌های ایرانی تشکیلاتی فراتر از تعهدات دیپلماتیک به وزارت خارجه ایران بوده است. اتفاقی که در استانبول به تصویر کشیده شده است.»^(۸)

۲- عزاداری محرم در استانبول در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اریکا گلاسن

اریکا گلاسن در این مقاله به موضوع تسامح دولت عثمانی در اجازه برگزاری دهه محرم به شیعیان مقیم استانبول می‌پردازد. ضمن آنکه نویسنده قدرت جامعه مذهبی و نفوذ سیاسی شیعیان در انجام این مهم رانیزی تاثیر نمی‌داند. نویسنده به کتاب جوزف و. هامر با نام «Constantinople under the Bosporus» که در سال ۱۸۲۲ میلادی منتشر شده اشاره می‌کند.

در فصل دوم این کتاب به نفوذ مهاجران ایران، تجار و بازرگانان و نمایندگان سیاسی ایران در استانبول و جامعه پارسیان در این شهر می‌پردازد. او اشاره می‌کند که شیعیان و حتی دراویش که ریشه‌های ایرانی داشته‌اند، از اقلیت بانفوذی به حساب می‌آمدند. بدیهی است این نفوذ سبب شده بود هر ساله در موقع ماه محرم که برای شیعیان از اهمیت فراوانی برخوردار است، بتوانند دست به عزاداری در مرکز خلافت اهل سنت بزنند.

کلنل چارلز وایت در کتابی با عنوان «سه سال اقامت در قسطنطنیه» که در برلین به سال ۱۸۴۴ میلادی منتشر شد به دو مرکز اقامت درجه یک ایرانیان با نام‌های وزیر هانی و ولید هانی اشاره می‌کند که مخصوص اقامت بازرگانان و شخصیت‌های متنفذ ایرانی در استانبول است. هر چند



اریکا گلاسن

وایت اشاره می‌کند که ایرانیان متوسط در مکانی به نام «زنبول هانی» اقامت می‌کردند. بر اساس گزارش خاطرات خان‌ملک ساسانی که در سال ۱۹۳۰ میلادی نگارش یافته، ایرانیان مقیم استانبول تا پیش از سفارت میرزا حسین خان سپهسالار اجازه برپایی مراسم عزاداری در ملاء عام رانداشته‌اند.

اریکا گلاسن حتی در خصوص مراسم قمه‌زنی هم توضیحاتی می‌دهد. هرچند روشن می‌سازد منابع اروپایی معاصر که از استانبول گزارشاتی منتشر ساخته‌اند، کمتر به جزئیات روضه‌خوانی‌ها پرداخته‌اند، زیرا زبان گفت‌وگوها را نمی‌فهمیده‌اند.^(۹) نویسنده تأکید می‌کند، اسناد و دست‌نوشته‌های دقیقی از شروع دقیق عزاداری‌ها در استانبول ندارد. اما او ۱۵ شاهد عینی را در استانبول به دست آورده که درباره جزئیات این مراسم برایش توضیحاتی داده‌اند. همانگونه که می‌دانیم پیش از آن برگزاری مراسم محرم در استانبول ممنوع بوده است.

نویسنده مقاله آنگاه به دلایل تنش‌ها و جنگ‌های ایران و عثمانی و عوامل مذهبی آنها اشاره می‌کند. مقاله مذکور برای محققان تاریخ روابط فرهنگی ایران و عثمانی نیز مفید به نظر می‌رسد. مقاله مذکور در کنار تحلیل تاریخ برگزاری مراسم عزاداری و حتی تعزیه در استانبول، بیانگر روابط فرهنگی-دیپلماتیک و نفوذ جامعه ایرانیان مقیم استانبول در قرن نوزدهم است. نویسنده جزئیات مراسم محرم چگونگی نشستن سفیر ایران در ولید هانی و دیگر میهمانانش، برپایی نمایشگاه‌های کوچک توسط تجار ایرانی و حضور میهمانان بازرگانی آنها در مراسم تعزیه یا روضه‌خوانی را شرح می‌دهد. وی حضور زنان اروپایی را در مراسم قمه‌زنی توضیح می‌دهد اینکه؛ آنها دو شب تحمل خوابیدن به دلیل دیدن صحنه‌های خون‌آلود را نداشتند!^(۱۰)

دیدن این صحنه‌ها باید برای آنها جذاب بوده باشد. نویسنده کتاب به برخی تصاویر نقاشی شده در کتب مسافران یا نظامیان اروپایی شاغل در استانبول می‌پردازد که به شرح دیوار ولید هانی می‌پردازند: دیوارهایی پوشیده از پرچم‌های سیاه، آینه، سماور و کتری برای جای عزاداری، عکس‌های قدیسین و...^(۱۱) اما نکته مهم در مقاله حاضر تأکید بر اجرای مراسم محرم در سال‌های ۱۸۸۲ تا ۱۹۲۶ میلادی است. این زمان می‌تواند برای محققان جالب باشد.^(۱۲)

نویسنده تاریخ قمه‌زنی را به فردی به نام ملا آقا دربندی قفقازی نسبت می‌دهد که در تبریز و در روز عاشورا دست به قمه‌زنی زد و این سنت سپس گسترش یافته است. او سنت قمه‌زنی را به اوایل عصر قاجار نسبت می‌دهد.^(۱۳)

اما نویسنده با تکیه بر نظرات آیت‌الله ممقانی تأثیر عزاداری حسینی بر فرهنگ شیعی را به نگارش درآورده است. ضمناً نویسنده در این مقاله به برخی منابع استانبولی که در این باره اظهار نظر می‌کرده‌اند اشارتی دارد.

۳- روزنامه فارسی زبان اختر انتقال دهنده آرای سیاسی عثمانی

آنیایستور حاتم

آنیایستور حاتم^(۱۴)، نویسنده، به شرح روزنامه‌نگاری در آغاز پیدایش آن در زمان میرزاتقی خان و محمدشاه قاجار اشارت دارد. از نظر وی تا زمان وقوع انقلاب مشروطه هیچ روزنامه مستقلی در ایران انتشار نیافته و تولید تمام جراید با دولت بوده است. نویسنده در مقاله خود آورده است: «آنگونه که اطلاعات ما اجازه می‌دهد، روزنامه اختر با حمایت‌های سفیر ایران محسن خان معین‌الملک شروع به کار کرده است. اولین شماره روزنامه اختر در ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ م. در استانبول منتشر شده است.»^(۱۵)

در آغاز ظاهر شاه و نخست‌وزیرش تصمیم به انتشار روزنامه فارسی زبان در امپراتوری عثمانی گرفته بودند. ظاهر شاه قاجار علاقه‌مند بود روزنامه اختر از نفوذ روزنامه عثمانی «صدای عدالت»



میرزا حسین خان سپهسالار

بر جامعه فارسی‌زبان عثمانی بکاهد. اما مدتی پس از انتشار اختر، کنترل از دست دولت ایران خارج شد! روزنامه روزه‌به‌روز از نفوذ عناصر حکومتی خارج و به صف منتقدین و طرفداران حکومت قانون پیوست. به تدریج اختر به انتقال‌دهنده اهداف و ایده‌های سیاسی عثمانی به داخل ایران بدل شد. نویسنده آنگاه به گوشه‌هایی از روزنامه اختر می‌پردازد: اینکه روزنامه اختر نوری است برای روشن ساختن ایرانیانی که به دنبال اخبار درست و حقایق عالم هستند.^(۱۶) روزنامه اختر تمام تحولات سیاسی از جمله موضوع مشروطه

عثمانی را که به فوریه ۱۸۷۷ م مربوط می‌شد در صفحات خود به فارسی انتشار می‌داد. البته نمی‌توان از میزان تاثیر آن بر جامعه فارسی‌زبانان و اختر خواندن غافل شد.

روزنامه اختر نظرات مصطفی فاضل‌پاشا، نمیک کمال و محمدپاشا را که آیات و احادیث را در تایید مشروطه و مجلس شورا می‌آوردند به فارسی برگردانده، اثبات می‌نمود که اسلام با مشروطه سر سازگاری دارد.^(۱۷) از موضوعات بسیار مهمی که در روزنامه اختر به چاپ می‌رسید مسئله وطن‌پرستی بود. ناسیونالیسم و سازگاری آن با ارزش‌های دینی تحت حدیث «حب الوطن من الایمان» از موضوعات بسیار کلیدی در جریده اختر به حساب می‌آمد.^(۱۸)

آنیایستور معتقد است نباید فراموش کرد که نویسندگان عثمانی واژه وطن‌پرستی را از ادبیات سیاسی فرانسه اقتباس کردند. وی خاطر نشان می‌کند نخستین کسی که در دوره مدرن از واژه «وطن» استفاده کرده است، میرزا حسین خان سپهسالار است. پس از وی میرزا فتحعلی آخوندزاده و نویسنده انقلابی میرزا آقاخان کرمانی در نوشته‌های خود از واژه «وطن» استفاده کرده‌اند.^(۱۹)

مقاله مذکور در عین اجمال حاوی نکات جالبی درباره روزنامه اختر است.

۴- ادوارد براون و جامعه ایرانیان مقیم استانبول

جان گرنی

یکی از مفصل‌ترین مقالات کتاب حاضر مقاله «جان گرنی» درباره ادوارد براون است. نویسنده به جایگاه و ارتباط پروفیسور ادوارد براون و جامعه ایرانی مقیم استانبول اشاره می‌کند. شاید مقاله حاضر یکی از جامع‌ترین نوشته‌ها درباره رابطه ایرانیان در تبعید و ادوارد براون انگلیسی است. نویسنده به شرح رشد و علاقه براون به فرهنگ و زبان ترکی عثمانی و تلاش برای فراگیری آن در نیوکاسل و سپس مسافرت به استانبول می‌پردازد؛ اینکه وی بسیاری از منابع ترکی از جمله کتاب خواجه ملا نصرالدین را خوانده و به این معاریف علاقه‌مند بوده است. او در آغاز بنا به درخواست پدر دوره نظامی برای ارائه خدمت در امپراتوری عثمانی را طی کرد، اما علاقه‌مند به ادامه نبود، لذا به دانشگاه کمبریج رفت تا پزشکی بخواند. سه سال تحصیل فشرده در فیزیک، آناتومی و طب سبب نشد که او از علاقه خود برای فراگیری زبان‌های شرقی دست بکشد.^(۲۰)

او سپس با گینز آشنا شد که بسیاری از آثار عثمانی را به زبان انگلیسی برگردانده بود. او سپس به یک سفر پنج ساله به اطراف امپراتوری عثمانی دست زد. مدتی نیز در استانبول ماند و زبان ترکی و فارسی را فراگرفت. ادوارد براون ظاهر اخیلی زود دریافت که به زبان فارسی بیش از زبان ترکی علاقه‌مند است، لذا تلاش کرد این زبان را به صورت کامل فراگیرد. در این مقاله به سیر زندگی، حضور ادوارد براون و ارتباطاتش با نویسندگان و متفکران برجسته ایرانی برمی‌خوریم. همچنین نویسنده مقاله به ارتباطات ادوارد براون با حسین دانش، یکی از چهره‌های روشنفکر و تحصیلکرده در استانبول، می‌پردازد. موضوع کمک‌های براون به انقلاب مشروطه و مهاجران بخش‌های دیگر این مقاله است که بسیار نافع و مفید است. این مقاله برای کسانی که علاقه‌مندند تا با وضعیت مهاجران ایرانی در استانبول و میزان کمک‌ها و نقش براون در این زمان آشنا شوند بسیار مفید است. نامه‌نگاری‌ها و ارتباطات وثیق براون با تقی‌زاده از موضوعات دیگری است که نویسنده در این مقاله درباره آنها نه به وسعت «دانش» پرداخته است.

نکته جالب در اعتقادات براون، علاقه فراوان او به تفکر، هنر، ادبیات و فلسفه شرقی است. او برخلاف روشنفکران مرعوب بر این باور بود که راه نجات مشرق‌زمین، تمسک به اندیشه‌ها و میراث پر بار و به روزآمد کردن آنهاست.

۵- جامعه ایرانیان در قاهره در آغاز قرن بیستم

آتیا و. م. لوزینک

نویسنده مقاله به ملاقات خود با «منوچهر مودب‌زاده» در سال ۱۹۹۰ میلادی در قاهره می‌پردازد.

مؤدب زاده از نظر نویسنده مقاله جزء آخرین بازماندگان جامعه اقلیت ایرانیان در قاهره مصر است. جالب آن است که مؤدب زاده آخرین سردبیر روزنامه «چهره‌نما» بود که تا سال ۱۹۶۶ میلادی به زبان فارسی در قاهره منتشر می‌شده است. پیدا کردن دلیل مهاجرت ایرانی‌ها به مصر چندان روشن نبوده است. نویسنده خاطر نشان می‌کند که یکی از دلایل مهاجرت ایرانیان از هند به مصر، آسان بودن تبدیل کردن وضعیت پرسنلی به شهروندی بریتانیایی بوده است. در حالی که تبدیل شدن به شهروندی بریتانیا در هند نیازمند اقامت پنج ساله بود در مصر این امکان راحت‌تر بوده است. مسئله دیگر به موضوع ایجاد مناسبات بازرگانی بین تجار ایرانی، هندی و مصری می‌پردازد.

ظواهر ارتباطات ایرانیان با مصر سبب گسترش دامنه مطبوعات و انتشار جراید فارسی در مصر بوده است. نویسنده به بررسی روزنامه «ثریا» که در سال ۱۸۹۸ میلادی میرزا علی محمدخان



اخبار در ایران

کاشانی سردبیری آن را عهده‌دار بوده است، می‌پردازد. روزنامه ثریا در نیمه دوم سال دوم انتشار سردبیری خود را به سید فرج‌الله حسینی کاشانی سپرد. هر چند علی محمدخان کاشانی هم انتشار و سردبیری روزنامه جدیدی به نام پرورش را عهده‌دار شد.^(۲۱)

روزنامه «پرورش» سومین جریده‌ای بود که در قاهره منتشر شد و تا سال ۱۹۰۱ میلادی تداوم داشت. روزنامه‌های مذکور جهت انتشار در قاهره به هندوستان و ۳۳ شهر ایران ارسال می‌شد.^(۲۲) نویسنده مقاله در کنار معرفی جراید فارسی زبان به برخی ایرانیان منتقد در

مصر هم اشاره می‌کند که مطالعه این مقاله تا حدی می‌تواند برخی سرخ‌ها را روشن سازد.

هر چند مقاله از ارزش تحقیقی والایی برخوردار نیست، اما حاوی نکات مفید و مطلوبی برای محققان و علاقه‌مندان به وضعیت انتشار جراید فارسی و جامعه ایرانیان مقیم مصر است.^(۲۳)

۶- استانبول و تجارت فرش ایران از سال ۱۸۷۰ میلادی

تسو توموسا کاموتو

نویسنده مقاله به جایگاه بسیار مهم استانبول در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در میان همسایگان مسلمان خود و جایگاه ایرانیان روشنفکر و سیاستمداری چون میرزا حسین خان سپهسالار می‌پردازد. وی از سال‌های ۱۸۵۸ میلادی تا ۱۸۷۱ میلادی در استانبول اقامت داشته و در سازماندهی جامعه ایرانیان استانبول نقش وی کلیدی ارزیابی شده است.^(۲۴)

نویسنده به تاثیر اندیشه‌های تحول‌خواه عثمانی بر آرا و اندیشه‌های روشنفکران ایرانی می‌پردازد.^(۲۵) نویسنده به سیر صادرات ابریشم از تبریز به استانبول و همچنان بررسی مسیر بازرگانی گیلان به دیگر نقاط را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در خصوص برپایی برخی

نمایشگاه‌های اقتصادی در تبریز، تهران و حتی استانبول و دیگر شهرهای اروپایی به گزارش می‌پردازد. از جمله به برپایی نمایشگاهی از محصولات بازرگانی ایران به سال ۱۸۷۳ میلادی در وین اشاره می‌کند. مناسبات بازرگانی که بیشتر شامل تجارت فرش است، حجم وسیعی از مقاله را دربر می‌گیرد. نویسنده با تکیه بر اسناد، دست‌نوشته‌ها، بیلان‌های مالی و برخی گزارشات گمرکی در آذربایجان و استانبول می‌تواند محققان و خوانندگان را مطلع گرداند. نویسنده در پایان مقاله به جداولی از صورت وضعیت تجارت ایران در تبریز اشاره می‌کند. (۲۶)

بی‌نوشت‌ها:

- HAMID ALGAR, Participation By Iranian... P. 33-۱
 Hamid algar, Ibn. P.33-۲
 Hamid algar, Ibn. P.34-۳
 Hamid algar, Ibn. P.35-۴
 Ibn. P.36-۵
 Hamid algar, P. 39-۶
 Hamid algar, P. 41-۷
 Hamid, algar, Ibn. P.44-۸
 ERIKA GLASSEN, MUHARRAM- CEREMONIES (AZADARI) IN ISTANBUL- AT- ۹
 THE END OF THE END OF THE XIXTH AND THE BEGINNING OF THE XXTH CENTURY, p. 113
 Erika GLassen, P.120-۱۰
 Ibn. P.121-۱۱
 Erika GLassen, P. 122-۱۲
 ANIA Pistor- HATAM. P. 141-۱۳
 Ibn. P. 127-۱۴
 ANIA Pistor- HATAM, P. 142-۱۵
 ANIA Pistor- HATAM. P. 142-۱۶
 Ibn. P. 143-۱۷
 Ibn. P. 144-۱۸
 ANIA Pistor- HATAM. P. 146-۱۹
 TOHN GUR NEN, Edward. P. 150-۲۰
 ANIA W.M. LUESINK. The Iranian Community in Cairo At The Turn of the century, -۲۱
 P. 195
 Ibn. P. 196-۲۲
 Ibn. P. 196-۲۳

Tsu Tomu SAKAMOTO, Istanbul AND THE CARPET TRADE OF IRAN SINCE -۲۴

THE 1870, 6, P. 213

Ibn. P. 212 – Ibn. P.213 –۲۵

Ibn. P. 299 –۲۶



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی